

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 21, No. 8, Autumn 2021, 241-263  
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.33727.2050

## **Critique of Settlement Pattern Analysis in Iranian Archaeological Texts**

**Rahmat Abbasnejad Seresti<sup>\*</sup>, Saeid Babamir Satehi<sup>\*\*</sup>**

**Narjes Heydari<sup>\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

The settlement Archeology is a common method of analysis that uses scientific methods to study three important components, including individual structures, social settlement, and regional settlement. This method analyzes the relationship between environmental variables and livelihoods and social settlement, reconstructs the socio-economic organizations of past societies, and determines the size, function, distance, and relationship of settlements. The present study has succeeded in identifying more than 80 texts in the form of dissertations, thesis, and scientific-research and extension scientific articles that have directly and indirectly addressed this issue. Less attention to the basic issues and methods of the settlement archeology, and no use of paleontological research to identify environmental variables in the context of the ancient landscape, are the most important methodological and conceptual problems of the texts. To these problems must be added the poor utilization of scientific tools and methods such as Satellite and Aerial Photography, Archaeogeophysics, Virtual Reality, Geographic Information System (GIS) and Statistical Methods. Providing desirable research credits and playing the

\* Associate Professor in Archaeology, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author), r.abbasnejad@umz.ac.ir

\*\* PhD Student of Archaeology, University of Mazandaran, Babolsar, Iran, s.babamir@stu.umz.ac.ir

\*\*\* Assistant Professor in Archaeology, Nima Higher Education Institute, Mahmood Abad, Iran,

Date received: 07/05/2021, Date of acceptance: 25/09/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

role of related institutes and universities are among the most important strategies for the correct and scientific implementation of this method.

**Keywords:** Settlement Archaeology; Iranian Archaeological Texts; Methodological and Conceptual Critique; Social Settlement; Regional Settlement.



## نقد رویکرد تحلیل الگوی استقرار در متون باستان‌شناسی ایران<sup>۱</sup>

رحمت عباس‌نژاد سرستی\*

سعید بابامیر ساطحی\*\*، نرجس حیدری\*\*\*

### چکیده

مطالعه الگوی استقرار یک روش تحلیل متداول در باستان‌شناسی دنیاست که با استفاده از روش‌های علمی به مطالعه سه مؤلفه مهم شامل سازه‌های منفرد، استقرار اجتماعی و استقرار منطقه‌ای می‌پردازد تا رابطه متغیرهای زیست-محیطی را با معیشت و استقرار اجتماعی تحلیل، سازمان‌های اجتماعی-اقتصادی جوامع گذشته را بازسازی، و اندازه، عملکرد، فاصله و رابطه استقرارها را تعیین کند. در پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای و اسنادی موفق به شناسایی بیش از ۸۰ متن در قالب پایان‌نامه، رساله، و مقاله‌های علمی-پژوهشی و علمی ترویجی شده‌ایم که مستقیم و غیرمستقیم به این موضوع پرداخته‌اند. کم‌توجهی به موضوعات و روش‌های بنیادین روش تحلیل الگوی استقرار، و عدم بهره‌گیری از پژوهش‌های دیرینه‌شناسی به منظور شناخت متغیرهای محیطی در بستر چشم‌انداز باستانی، مهم‌ترین مشکلات روش‌شناختی و مفهومی متون مورد نقد هستند. به مشکلات مذکور باید بهره‌بردارهای ضعیف از ابزارها و روش‌های علمی نظیر عکس‌های ماهواره‌ای

\* دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)،  
r.abbasnejad@umz.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده هنر معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران،  
s.babamir@stu.umz.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر، مؤسسه آموزش عالی نیما، محمودآباد، ایران،  
narges.heydari@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۳

و هوایی، آرکتوژئوفیزیک، شبیه‌سازی کامپیوتری، نظام اطلاعات جغرافیایی (GIS) و روش‌های آماری را اضافه نمود. تأمین اعتبارات پژوهشی مطلوب و ایفای نقش پژوهشگاه و پژوهشکده مرتبط و دانشگاه‌های مجری رشته باستان‌شناسی، از مهم‌ترین راهکارهای اجرای درست و علمی این روش هستند.

**کلیدواژه‌ها:** تحلیل الگوی استقرار، متون باستان‌شناسی ایران، نقد روش‌شناختی و مفهومی، استقرار اجتماعی، استقرار منطقه‌ای.

## ۱. مقدمه

از دهه ۱۹۵۰ میلادی و در آستانه ورود به دوره باستان‌شناسی نو، بازسازی بافت زیست‌محیطی جوامع گذشته اهمیت یافت. یکی از هدف‌ها و مسئله‌های اساسی در این رویکرد، تشخیص و توصیف الگوی استقرار و زیستگاهی برای تحلیل و تبیین ارتباط گروه‌های انسانی با متغیرهای محیطی و طبیعی بوده است. پژوهش‌ها و بررسی‌های گوردون ویلی در پرو (Willey, 1953: 155, 453)، رابرت آدامز در دیاله عراق (Adams, 1965)، کوانگ چی چانگ در شمال چین (Chang, 1958)، ویلیام ساندرز در مکزیک و هندوراس (Sanders, 1965)، بینامینو پ. ولتا در آمریکای مرکزی (Volta, 2007)، و آندره دبلو کندل و نیکلاس جان کنارد در جنوب آفریقا (Kandel & Conard, 2012) در زمره مهم‌ترین کارهایی بودند که با هدف شناخت فرایندهای فرهنگی از روی الگوی منطقه‌ای، درک ارتباط بین سازمان اجتماعی و الگوهای استقرار، و شناسایی رفتارهای اجتماعی و اقتصادی جوامع گذشته از طریق مطالعات منطقه‌ای انجام شدند.

شناخت الگوی توزیع مکانی محوطه‌ها، وابستگی متقابل استقرارها، روابط درون و برون منطقه‌ای آنها، توالی و عدم توالی سنت‌های منطقه‌ای، و اختلاف و تشابه مناطق طبیعی-فرهنگی، از نتایج این روش تحلیل است. درک تغییر الگوی پراکنش استقرارها موجب (۱) شناخت تغییرات و جابجایی‌های جمعیتی در هر دوره؛ (۲) آشنایی با نحوه پراکنش عملکرد انسانی در بستر چشم‌انداز؛ و (۳) شناسایی برهم‌کنش‌های محیط اجتماعی و محیط طبیعی، می‌گردد. این رویکرد، چشم‌انداز منطقه‌ای مطلوبی درباره استقرارها و زیستگاه‌ها و تغییرات جمعیتی در طول زمان ترسیم می‌کند (Greenfield et al., 2008: 131).

باستان‌شناسان برای توضیح چرایی و چگونگی تعامل انسان و محیط طبیعی ناگزیر از مطالعه چگونگی تأثیرگذاری فعالیت‌های انسان در زمین‌سیمای منطقه هستند

(Volta, 2007:8). پیامدهای استقرار و عملکرد انسان در محیط زیست در شکل بناهای انبوه و منفرد، تپه‌ها، آبراه‌ها، راه‌های ارتباطی، مزرعه‌ها، مراتع، معادن، مکان‌گزینی بر اساس ارتفاع و شیب زمین و منابع آب، و نظایر آنها مورد مطالعه قرار می‌گیرند. این روش که الگوی استقرار باستان‌شناختی (Archaeological Settlement Pattern) و یا مطالعه الگوهای استقرار در باستان‌شناسی (Settlement Patterns in Archaeology) نامیده شده است و برخی آن را بخشی از باستان‌شناسی زمین‌سیما (Landscape Archaeology) می‌دانند، همانند سایر روش‌های تحلیلی در باستان‌شناسی، دارای اصول، ابزار و مبانی نظری خاص خود است. باستان‌شناسی زمین‌سیما، تاریخ تحولات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی جوامع باستان را از طریق شناخت شواهد فعالیت‌های انسان در زیست‌محیط و تشخیص و توصیف ارتباط بین آنها از طریق ابزارهای دیرینه‌شناسی و روش‌های میان‌رشته‌ای، رقم می‌زند. زیست‌محیط مذکور، شامل بافت‌های طبیعی و فرهنگی است که بسترساز جریان‌های زندگی انسان‌ها در طول قرون و اعصار بوده‌اند (نیکنامی، ۱۳۸۵: ۱۱). برخی دیگر از مسائل این حوزه عبارتند از: ۱) تحلیل و تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جوامع پیچیده و حکومت‌های اولیه؛ ۲) طبقه‌بندی محوطه‌ها به صورت سلسله‌مراتب استقرار بر مبنای اندازه، عملکرد، و وجود معماری یادمانی؛ و ۳) بررسی تأثیر الگوهای فرهنگی و شبکه‌های رفتاری انسان بر الگوهای زیستی و استقراری (رنفریو و بان، ۱۳۹۰: ۲۵۳؛ فاگان، ۱۳۸۵: ۵۶۴). در باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران، برخی از پژوهش‌های مذکور با موفقیت انجام شده‌اند (بنگرید به: Kirkby, 1977; Hole et al., 1969).

نگارندگان مقاله به دو دلیل تصمیم به نقد علمی این روش در متون باستان‌شناسی ایران گرفته‌اند: ۱) نقش تأثیرگذاری که استفاده درست از این روش می‌تواند در ارتقای کیفیت و مطلوبیت پژوهش‌ها ایفا نماید؛ و ۲) کاربرد نسبتاً وسیعی که مطالعات الگوی استقرار تقریباً در دو دهه اخیر در میان پژوهشگران و علاقمندان پیدا کرده است. واکاوی متون مربوطه اعم از مقاله‌های علمی-پژوهشی، مقاله‌های همایشی، و پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی نشان داده است که صرف‌نظر از تعدادی از آنها که روشمندی و هدفمندی مرتبط با این روش را به طور نسبی مراعات کرده‌اند، اغلب پژوهش‌های مذکور دارای اشکالات روش‌شناختی و مفهومی هستند. برای صورت‌بندی، قاعده‌مندی و تأیید تحلیل‌ها و تبیین‌های آنها ضروری است در روش مورد استفاده در گردآوری و تولید اطلاعات پایه و داده‌پردازی آنها، بازنگری‌هایی صورت پذیرد. مقاله حاضر، ضمن ارزیابی شکلی و محتوایی

متون یادشده در چارچوب نقد علمی، راهکارهایی را در زمینه بکارگیری مطلوب روش باستان‌شناسی الگوی استقرار، مورد تأکید قرار می‌دهد.

## ۲. معرفی کلی متون مورد نقد

با مراجعه به پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرانداک) و جستجوی کلیدواژه‌های مربوطه نظیر الگوی استقرار، شکل‌گیری، عوامل محیطی و زیست محیطی، حدود ۴۰ عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۱۰ رساله دکتری در این زمینه شناسایی شده‌اند.

با بررسی پایگاه‌های اطلاعاتی موجود نورمگز، مگیران، سیویلیکا و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، حدود ۳۵ مقاله علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی مشخص شده‌اند. در این زمینه به‌نگارش درآمده است و مقالات موجود به شرح زیر در مجلات مربوطه در خلال دو دهه اخیر چاپ شدند.<sup>۲</sup>

## ۳. نقد شکلی متون مورد نقد

نویسندگان متون مورد نقد، اهداف و پرسش‌های خود را در قسمت چکیده، مقدمه و بعضاً در روش و شیوه پژوهش، اینگونه بیان کرده‌اند: (۱) مطالعه نقش عوامل زیست-محیطی در شکل‌گیری، توسعه و فروپاشی استقرارهای دوران مختلف زندگی بشر؛ (۲) چرایی و چگونگی نحوه پراکنش استقرارهای انسانی در زیست-بوم‌های مورد مطالعه؛ (۳) بررسی و تحلیل علل افزایش یا کاهش استقرارها و جمعیت؛ (۴) تحلیل برهمکنش‌های فرهنگی منطقه‌ای در زمینه شکل‌گیری، توسعه و فروپاشی استقرارها؛ (۵) شناسایی ارتباطات درون و برون منطقه‌ای؛ (۶) بررسی مسائل مربوط به شیوه معیشت انسان‌ها در دوران مختلف فرهنگی؛ و (۷) آزمون برخی از نظریه‌ها نظیر سلسله-مراتب استقراری، مکان-مرکزی، حوزه‌گیری، ارتباطات درون-استقرار و درون-منطقه‌ای، و نظایر آنها.

در اغلب متون مورد نقد، صرفاً چگونگی پراکنش استقرار و تاثیر عوامل محیطی در شکل‌گیری الگوی استقرارها مورد توجه قرار گرفته است. در عنوان و واژگان کلیدی این متون نیز با اصطلاحات و مفاهیم گوناگونی نظیر استقرار، استقرارگاه، زیست‌گاه، محوطه، و سکونت‌گاه روبرو می‌شویم که هرکدام از این مفاهیم بار معنایی خاص خود را دارند؛

این در حالی است که در متون غیرفارسی از استقرار (Settlement) و یا الگوی استقرار (Settlement Pattern) استفاده شده است که باعث یکپارچگی و تمرکز اهداف و روش‌ها در متون شده است.

#### ۴. نقد محتوایی متون

##### ۱.۴ انسجام و نظم منطقی متون

چگونگی فصل‌بندی، اجزا و عناصر هر متن باستان‌شناسی به نوع مسائل تحقیق بستگی دارد که البته اغلب متون دارای این ویژگی مثبت هستند ولی از آنجایی که پرسش‌های اغلب متون و مقالات مورد نقد بر مبنای درک دقیق و کامل از باستان‌شناسی الگوی استقرار تدوین نشده‌اند لذا در انسجام و نظم منطقی آنها قدری ضعف مشاهده می‌گردد.

##### ۲.۴ ارزیابی منابع و ارجاع‌دهی

بر اساس ارجاعات درون‌متنی و پایانی، می‌توان امتیاز مطلوبی را از لحاظ استفاده از منابع اصلی و تخصصی به این متون اختصاص داد. با وجود این، عدم بهره‌برداری دقیق از منابع باعث بروز مشکلات روش‌شناختی و مفهومی در آنها شده است. به برخی از موضوعات در بعضی از متون، ارجاعات بسیار زیادی داده شده و در مقابل به برخی از موضوعات، هیچ ارجاعی داده نشده است. استفاده از منابع و مراجع مطلوب و مناسب، ضمن ارتقای کیفی مباحث مطرح‌شده در متون موصوف می‌تواند راهنمای خوبی برای علاقمندان، پژوهش‌گران و دانشجویان باشد. در برخی از متون، پیشینه‌های پژوهشی غیرضروری و نامرتب درباره منطقه مورد مطالعه نگاشته شده که باعث تطویل و خسته‌کننده شدن مطالب شده است.

##### ۳.۴ وضعیت پرسش‌محوری و نقد سایر نظریات علمی

به منظور ارزیابی و نقد متون مورد بحث از منظر پرسش‌محوری باید درباره چند مؤلفه مهم در باستان‌شناسی الگوی استقرار اندکی بحث نماییم:

۱. **سازه‌های منفرد:** توصیف و تحلیل برخی سازه‌های منفرد از طریق مطالعات قوم‌نگاری، به تحلیل الگوی استقرار کمک می‌کند. پژوهشی که در مناطق بومی‌نشین ایالات متحده صورت پذیرفت نشان داد که بین خانه‌های مدور و زندگی موقت کوچروی ارتباط وجود دارد؛ این در حالی است که جمعیت‌های کم‌تحرک کشاورز، خانه‌های مستطیل‌شکل دارند (Robbins, 1966). نقشه، اندازه و عملکرد سازه همچنین می‌تواند ساختار و نوع خانواده (گسترده یا هسته‌ای)، تخصصی یا غیرتخصصی بودن مشاغل، نوع سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی یک جامعه را مشخص کند (Parson, 1972: 137). کشف رابطه موجود بین گونه‌های خاصی از ساختمان‌ها و انواع مختلفی از ساختارهای اجتماعی نیز از طریق این مؤلفه امکان‌پذیر است (Trigger, 1967: 152). نوع نقشه، اندازه، مصالح و موقعیت خانه‌ها در بافت‌های باستان‌شناختی با سطح پیچیدگی‌های اقتصادی-اجتماعی جوامع رابطه دارد. یکی از کارهای شاخص در این زمینه که در ایران انجام شده پژوهش‌های ویلیام سامنر در فارس است که از روش‌های قوم‌باستان‌شناسی و تحلیل الگوی استقرار بهره برده است (Sumner, 1972).

۲. **استقرار اجتماعی:** الگوی استقرار جامعه یکی از موضوعات الگوی استقرار در باستان‌شناسی است (Parson, 1972: 137) که با پشتیبانی داده‌های قوم‌نگاری به بازسازی ساختار و اندازه خانه، روستا، خانواده، خاندان، دودمان و سازمان جوامع گذشته می‌پردازد. نقشه و توزیع فضایی بناها می‌تواند متأثر از سازمان اجتماعی و سیاسی جوامع نیز بوده باشد (فاگان، ۱۳۸۵: ۵۶۸). عواملی چون امنیت و بازدارندگی در برابر تهاجم حیوانات وحشی و سایر گروه‌های انسانی و اقوام، راه‌های دسترسی، و منابع آب و رودخانه‌ها در تعیین موقعیت، نقشه و مصالح محل‌های سکونت و زندگی تأثیرگذار بودند. دائم یا موقت بودن یک استقرار و محوطه، موضوع مهم دیگری در مطالعه الگوی استقرار جامعه است که از طریق تحلیل رابطه متغیرهای زیست-محیطی با معیشت و اقتصاد آن استقرار اجتماعی، مشخص می‌گردد (Roberts, 2003). مسئله دیگری که باید در الگوی استقرار جامعه مورد توجه قرار گیرد بناها و بقایای معماری غیرعادی و غیربومی در یک استقرار اجتماعی است؛ این وضعیت شاید، اغلب مختص جوامع حاکم‌نشین و حکومتی بوده باشد. این بناها احتمالاً باید به گروه‌های غیربومی، اقلیت‌های قومی، سیاسی و مذهبی، نمایندگان سیاسی و حتی پناهندگان سیاسی تعلق داشته باشند که احتمال کشف اشیای غیرمحل‌ی در



آن‌ها زیاد است (فاگان، ۱۳۸۵: ۵۷۵). تحلیل و تفسیر توزیع دست‌افزارها در بخش‌های استقرار یک محوطه نیز راهی برای شناخت عملکرد بخش‌های مسکونی و درک تمایزات مختلف شغلی است. در موضوعات متون مورد نقد، اساساً چنین مباحثی مشاهده نمی‌شوند.

**۳. استقرار منطقه‌ای:** توزیع پراکندگی منابع طبیعی و متغیرهای زیست‌محیطی، از شاخص‌های مهم استقرارگزی به شمار می‌روند و زمینه را برای تحلیل رابطه استقرارهای اجتماعی منطقه با منابع و متغیرهای مذکور فراهم می‌نمایند. الگوی استقرار منطقه‌ای، هم‌چنین شامل مواردی چون توزیع اندازه، عملکرد و فاصله استقرارها، و نوع روابط آنها با یک‌دیگر نیز می‌گردد. در صورت تعیین و تشخیص عملکرد استقرارها در یک منطقه شاید بتوان رابطه فضایی بین محوطه‌ها را ترسیم نمود؛ چیدمان سیاسی و زیست‌محیطی آن‌ها را مشخص کرد؛ و استنتاج‌های محدودی درباره ساختار و روابط اجتماعی و سیاسی منطقه و محوطه‌های مورد مطالعه به عمل آورد (Trigger, 1967: 152). این مباحث در چارچوب تحلیل‌های منطقه‌ای در باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران و بین‌النهرین مطرح شده‌اند (Johnson, 1977; Sumner, 1979).

برآورد جمعیت در سطح منطقه یکی از موضوعات مورد توجه در پژوهش‌های الگوی استقرار است که از طریق رابطه‌ای که بین متغیرهایی نظیر وسعت محوطه‌ها، میزان منابع طبیعی موجود، نوع معیشت و اقتصاد، سطح فناوری جامعه، سطح پیچیدگی‌های اجتماعی و مذهبی استقرارها، و داده‌های قوم‌نگاری ایجاد می‌شود، تعیین می‌گردد. در صورت عدم ترسیم رابطه‌ای علمی و منطقی بین متغیرهای یادشده، به روشنی نتیجه‌ای اشتباه و فریبنده در تخمین جمعیت منطقه به دست خواهد آمد؛ بدان معنا که اگر متغیرهای یادشده به خوبی شناخته و محاسبه نشوند و میزان تأثیر آنها در جمعیت تعیین نگردد، نتیجه برآورد جمعیت، اشتباه خواهد بود. در واقع، هر یک از متغیرهای پیش‌گفته، سهم مشخصی در تعیین میزان جمعیت دارند که باید شناخته شوند. نتایج غیرعلمی و نادرست برآورد جمعیت، زمانی مشکل‌زاتر خواهند شد که از آنها در تحلیل‌هایی چون بازرگانی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین، چرایی و چگونگی شکل‌گیری جوامع حکومتی و حکومت‌ها، استفاده شود؛ پژوهش‌های نسبتاً موفق در این زمینه در ایران انجام شده است که بخشی از نتایج آنها هنوز قابل بهره‌برداری و ارجاع‌دادن هستند (Wright & Johnson, 1975).

موضوع دیگری که در مطالعات الگوی استقرار منطقه‌ای مطرح شده، نحوه سلسله‌مراتب سازمانی استقرارهای باستانی است که از طریق نظریه مکان‌مرکزی (Central Place Theory)، توضیح داده شده است (Christaller, 1966). این روش تحلیل که در برخی از متون موردنقد مورد استفاده قرار گرفته یک پرسش مهم را پیش می‌کشد. مکان‌های مرکزی تحت شرایط ایده‌آل با اندازه و فرم یکسان در فواصل تقریباً یکنواختی با مراکز ثانویه تاسیس می‌شدند که هر کدام نیز به نوبه خود با واحدهای کوچک‌تر ارتباط برقرار می‌کردند (Darvill, 2002: 76) و یک نقشه هندسی منظم منطقه‌ای را به وجود می‌آوردند. آیا این الگو در همه زیست‌محیط‌ها و از جمله در مناطق مختلف آسیای جنوب غربی و بخش‌های گوناگون فلات ایران قابلیت کاربرد دارد؟ پاسخ این پرسش طبعاً منفی است.

در متون مذکور در اغلب موارد، اصول و مبانی نظری رویکردها و نظریه‌های مرتبط نظیر نوسنگی‌شدن و تولید غذا؛ مطالعات دیرین‌آب‌شناسی، دیرین‌اقلیم‌شناسی، باستان‌جانورشناسی، باستان‌گیاه‌شناسی، باستان‌شناسی محیطی، و باستان‌شناسی چشم‌انداز، در مقدمه و یا در یک فصل مستقل تشریح شده‌اند ولی ارتباط مستقیم و دقیقی با بخش‌های بحث و تحلیل برقرار نمی‌کنند.

#### ۴.۴ انطباق و جامعیت موضوعی و محتوایی متون

پژوهش‌های الگوی استقرار در باستان‌شناسی دارای سرفصل‌های مشخصی نظیر بناهای منفرد، استقرار جامعه و استقرار منطقه است که در بخش قبلی (پرسش محوری)، توضیحاتی در این خصوص ارائه شد. در متون مورد نقد، تنها به سرفصل استقرار منطقه پرداخته شده است. میزان انطباق و جامعیت اغلب متون، هم از لحاظ روش‌شناسی موضوعی و هم از نظر داده‌پردازی اطلاعات و استفاده از ابزارها و روش‌های تحلیل، قابل ارزیابی و نقد است. برخی موضوعات متون مذکور که بطور برجسته مورد بحث قرار گرفته‌اند، اهمیت و جایگاه قابل توجهی در تحلیل الگوی استقرار دارند که البته ناقص و به اشتباه انجام شده‌اند. برآورد مساحت و تخمین جمعیت یکی از این موضوعات است که به درستی انجام نشده‌اند. یکی دیگر از مباحث اولیه و محوری در باستان‌شناسی، تعیین حدود زمانی پژوهش از طریق گاهنگاری‌های نسبی و مطلق و گونه‌شناسی مواد فرهنگی نظیر سفال است. برای تحلیل الگوی استقرار در سطح استقرار و منطقه، و همچنین مطالعه

برهم‌کنش‌های فرهنگی ضروری است که چارچوب‌های گاهنگاری مشخص و دقیقی برای هر یک از دوره‌ها در اختیار باشد. بررسی متون مورد نقد نشان می‌دهد که در اغلب آن‌ها، استفاده‌ای از گاهنگاری مطلق نشده و در زمینه بهره‌برداری از گاهنگاری نسبی نیز ضعف دیده می‌شود.

#### ۵.۴ به‌کارگیری ابزارهای علمی

گفتیم که در روش تحلیل الگوی استقرار با دو محیط سروکار داریم: محیط طبیعی و محیط اجتماعی. عوامل محیط طبیعی شامل متغیرهای توپوگرافیک و زمین‌شناختی مانند ارتفاع از سطح دریا، شیب نقاط، نوع خاک، پوشش گیاهی، پوشش جانوری، منابع آب و نظایر آنها می‌باشند. عوامل محیط اجتماعی نیز شامل متغیرهایی هستند که روابط فرهنگی، عقیدتی، اجتماعی و سیاسی انسان را با زمین‌سیما شکل می‌دهند (نیکنامی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۹۷). به‌کارگیری ابزارها و روش‌های درست بررسی روشمند منطقه‌ای، منجر به تعریف و بازسازی الگوی استقرار یک منطقه‌ی یکپارچه و گسترده می‌گردد و درک توسعه و چرخه سیاست منطقه‌ای و تعامل بین مراکز و محل‌ها را میسر می‌سازد (Underhill et al., 2008: 24). بررسی سطحی میدان به میدان (Field-by-field Surface Survey) مبتنی بر عکاسی‌های عمودی در مقیاس بزرگ و تحلیل عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای بررسی‌های فراگیر منطقه‌ای (Full-coverage Regional Survey) و بررسی‌های فشرده منطقه‌ای (Intensive Regional Survey) باعث شناسایی الگوهای در حال تغییر استفاده از زمین، تأثیر فعالیت‌های ویرانگر انسانی در نابودی محوطه‌ها، گسترش جمعیت، و تحولات اجتماعی-سیاسی و اقتصادی می‌گردند. عکس‌های هوایی امکان مشاهده مجموعه بزرگی از عوارض طبیعی و مصنوعی را به طور همزمان و به منظور تشخیص رابطه احتمالی میان آنها، فراهم می‌کنند. در غیر این صورت، تصویر و بازسازی نادرستی درباره چگونگی پراکندگی محوطه‌های باستانی در هر منطقه حاصل خواهد شد (علی بیگی و خسروی، ۱۳۸۷: ۷).

آرکتوژئوفیزیک، نیز امکان شناسایی بقایای فرهنگی و محوطه‌های پنهان در زیر پوشش گیاهی یا رسوبات آبرفتی را بدون حفاری میسر می‌سازد.

شبیه‌سازی کامپیوتری (Virtual Reality) موسوم به VR برای تهیه تصاویر سه‌بعدی از محوطه‌ها و زمین‌سیماهای باستانی استفاده می‌شود (لباف خانیکی، ۱۳۸۵: ۱۲۱-۱۱۸).

استفاده از نظام اطلاعات جغرافیایی (Geographic Information System) موسوم به GIS نیز کاربرد فراوانی در این روش دارد. از طریق تحلیل داده‌ها و فاکتورهای حاصل از این دو روش، نتایج ارزشمندی درباره گسترش استقرارها، الگوهای استقرار، مکان‌های مرکزی، مسیرهای ارتباطی، منابع طبیعی، تعیین وضعیت استقرارها از نظر کوچروی و یک‌جانشینی، تبیین گاهنگاری‌ها و بررسی تاثیر اقلیم بر فرهنگ محلی جوامع کوچرو حاصل می‌گردد (نیکنامی و همکاران، ۱۳۸۵). برخی از روش‌های آماری نیز در تحلیل چگونگی پراکندگی محوطه‌های باستانی کاربرد دارند. سه آزمون آماری به نام‌های منحنی لورنز (Lorenz Curve)، شاخص توزیع نقطه‌ای (Point Distribution Index) و شاخص نزدیک‌ترین همسایه (Nearest Neighbor Index) که برای تحلیل پراکندگی روستاهای امروزی در فضای جغرافیایی (عظیمی، ۱۳۸۰) استفاده می‌شوند، برای تعیین الگوی استقرارهای باستانی نیز قابل بهره‌برداری هستند.<sup>۳</sup> شکل و وسعت محوطه‌ها و استقرارها که در برآورد جمعیت قابل استفاده هستند، تحت تاثیر فرایندهای بعد از رسوب‌گذاری به ویژه تخریب، تدفین و رسوب‌گذاری مجدد قرار دارند. اندازه هر محوطه با اندازه عناصر استقرار و الگوهای رفتاری ساکنان آن مرتبط است (Fletcher, 1986: 59-60).

کار تخمین جمعیت باستانی بدون شناسایی دقیق این فرآیندها و الگوها غیرممکن است. اساسا تعیین وسعت واقعی محوطه‌ها و دوره‌های فرهنگی آن‌ها بدون تعیین عرصه، حریم و گمانه‌زنی‌های مرتبط، ناممکن است. این در حالی است که در اغلب متون مورد نقد، برآورد جمعیت استقرار و منطقه‌ای بر اساس محاسبه‌ای ساده (مساحت محوطه × میانگین جمعیت در هکتار بر مبنای پیشنهادی باستان‌شناختی) انجام شده است. ارزیابی متون مورد نقد بیانگر آن است که روش‌های مذکور در برخی از پژوهش‌ها به صورت ضعیف مورد استفاده قرار گرفتند و در دیگر پژوهش‌ها، بهره‌برداری خاصی از آنها به عمل نیامده است.

#### ۶.۴ استفاده از اصطلاحات تخصصی

پیش از این گفته شد که اصطلاحات تخصصی این حوزه پژوهش با معادل‌ها و ترجمه‌های گوناگونی در این متون بکار رفته‌اند؛ اصطلاحاتی نظیر مطالعه الگوی استقرار، روش تحلیل الگوی استقرار، تحلیل عوامل استقرارگزی، بررسی متغیرها و مؤلفه‌های استقرارگزی،

تحلیل توزیع فضایی استقرارها، تحلیل الگوی زیستی و مکان‌گزینی محوطه‌ها، نقش عوامل محیطی بر شکل‌گیری استقرارها، تحلیل تأثیر زمین‌سیما در شکل‌گیری، پراکنش و افول استقرارها، و نگرشی بر منظر باستان‌شناسی و تحولات فرهنگی استقرارها. این درحالی است که در متون جهانی باستان‌شناسی از عبارات‌ها و واژه‌های Settlement Archaeology, Archaeological Settlement Patterns و Settlement Pattern Approaches استفاده شده است. از نظر نگارندگان، روش تحلیل الگوی استقرار در باستان‌شناسی، اصلی‌ترین و مناسب‌ترین معادلی است که برای استفاده در متون فارسی پیشنهاد می‌شود.

بهره‌گیری از واژه‌های تخصصی و نام کسان و مکان‌ها و ارائه زیرنویس، پی‌نوشت، و یا تنظیم پیوست‌هایی در چارچوب واژه‌نامه‌ها برای تعریف و آشنایی بیشتر مخاطبین با این واژه‌ها و نام‌های اختصاصی، امری ضروری است که جای خالی آنها در اغلب متون احساس می‌شود.

## ۵. نقد و تحلیل روش شناختی متون

روش تحلیل الگوی استقرار در باستان‌شناسی اساساً و طبعاً از لحاظ روش شناختی دارای محدودیت‌هایی است. عدم تمرکز برخی باستان‌شناسان این حوزه به درک ابعاد استقرارها و عملکرد آنها در سطوح محلی و منطقه‌ای و بی‌توجهی به مسئله شناخت ساختارهای جوامع باستانی (Trigger, 1967: 151) و غافل‌شدن از برخی داده‌ها با وجود مواجهه باستان‌شناسان با انبوه داده‌های استقراری و ثبت و ضبط آنها در سطحی وسیع، مثال‌هایی از این‌گونه محدودیت‌ها هستند (به نقل از Volta, 2007: 22). بنابراین، در چنین وضعیتی، چنانچه محدودیت‌های دیگری که معمولاً در پژوهش‌های مورد نقد ملاحظه می‌گردند، به محدودیت‌های پیشین اضافه شوند، نتیجه قابل استفاده‌ای از مطالعات الگوی استقرار حاصل نمی‌گردد.

بخش اعظم پژوهش‌های مورد نقد، به توصیف‌های مشابه و تحلیل‌های نرم‌افزاری مشخص و رایانه‌ای، بدون تفسیر و تأویل اختصاص یافته است و لذا، خواننده با حجم فراوانی از اطلاعات مشابه و خسته‌کننده روبرو می‌شود. بیان جامع و کامل مولفه‌ها و ویژگی‌های اصلی محیطی منطقه در چشم‌انداز باستانی‌اش، امری بنیادین و ضروری در

روش تحلیل الگوی استقرار است. اما ارزیابی متون نشان داده است که این موضوع در تعداد اندکی از آنها، آن هم به صورت موردی رعایت شده است. روش گردآوری اطلاعات در اغلب پژوهش‌های مورد بحث، از طریق روش‌های مختلف بررسی‌های میدانی و گاهی مواقع نیز از طریق روش کتابخانه‌ای و اسنادی بوده است. اساسا بررسی‌های میدانی دارای اهداف، روش‌ها، مراحل تشخیصی-توصیفی و تحلیلی-تبینی خاصی هستند و گاهی استفاده داده‌های حاصله را در زمینه تحلیل الگوی استقرار، سخت و گاهی غیرممکن می‌کند؛ مضافا اینکه همانگونه که پیش از این گفته شد، مشکلات روش‌شناختی اساسی در بررسی‌های باستان‌شناسی وجود دارد. به عنوان مثال، در اغلب گزارش‌های بررسی‌های میدانی، دوره‌های زمانی با اصطلاحاتی چون پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی مشخص و ثبت شده‌اند. گاهی مواقع، یک محوطه را بر اساس داده‌های سطحی، در هر سه دوره ثبت کرده‌اند و وسعت فعلی آن را برای هر سه دوره و تمامی مراحل آنها در نظر گرفته‌اند. صرفنظر از اینکه این داده‌های کلی، غیرقابل استناد و غیرعلمی، اهداف برنامه‌های بررسی باستان‌شناسی را تأمین نمی‌کنند، هیچگونه کاربردی نیز در باستان‌شناسی الگوی استقرار ندارند. اتکا به اینگونه داده‌ها در برخی از متون مورد نقد به شکل‌های پیش پا افتاده‌ی زیر دیده شده است: (۱) جایابی محوطه‌ها روی نقشه؛ (۲) جایابی عوامل محیطی روی نقشه؛ (۳) تحلیل ارتباط محوطه‌ها و عوامل محیطی و بررسی نقش عوامل مذکور بر اساس مبانی و روش‌های تحلیل الگوی استقرار؛ و (۴) عدم درج توضیحات و تصاویر یافته‌های فرهنگی حاصل از بررسی‌های مذکور و ناچاربودن مخاطب به پذیرش آنچه که بدانها استناد و ارجاع شده است.<sup>۴</sup>

به منظور ارزیابی بهتر، در ادامه به چگونگی استفاده متون مورد نقد از عوامل و متغیرهای محیطی که به دو گروه پایدار و ناپایدار تقسیم می‌شوند، می‌پردازیم:

## ۱.۵ ارتفاع از سطح دریا

این عامل در تحلیل چرایی و چگونگی مکان‌گزینی در ادوار مختلف زندگی بشر از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین، چگونگی گروه‌بندی ارتفاعی در پژوهش‌ها بسیار مهم هستند. این گروه‌بندی‌ها در متون مورد نظر معمولا بدون در نظر گرفتن شرایط و اقتضائات محیطی و برای تمامی مناطق تقریبا به طور یکسان و مشابه، صورت پذیرفته و

از طریق داده‌پردازی در نرم‌افزارهای مربوطه، نتایج و نمودارهایی حاصل گردیده است که ظاهری جذاب دارند ولی هیچ کمکی به بررسی علمی چرایی و چگونگی استقرارگزینی نمی‌کنند. گاهی این اختلاف ۱۰۰ و ۵۰ متر و حتی کم‌تر در نظر گرفته شده است. ارتفاع از سطح دریا رابطه مستقیمی با متغیرهایی نظیر میزان بارش، تنوع آب‌وهوایی، دامنه دما، نوع و میزان پوشش گیاهی و جانوری منطقه جغرافیایی مورد مطالعه، دارد. بنابراین، این گروه‌بندی‌های ارتفاعی در صورتی معنادار خواهند بود که در تعریف آنها، متغیرهای مذکور و سایر شرایط محیطی لحاظ گردند.

## ۲.۵ نزدیکی به منابع آب

اهمیت اشکال گوناگون منابع آبی (دریا، دریاچه، تالاب، رود، رودخانه، چشمه، آبشار، چاه و قنات، آبگیر و مواردی از این قبیل) در ایجاد و گسترش استقرارهای انسانی و معیشت و اقتصاد آنها بر هیچ کس پوشیده نیست. اما استفاده از این عامل ناپایدار محیطی در تحلیل الگوی استقرار نباید با ساده‌انگاری صورت پذیرد؛ باید نکاتی را در این زمینه مورد توجه قرار داد: (۱) دائمی، فصلی و اتفاقی بودن رودها؛ (۲) طغیان‌ها و سیلابی شدن رودخانه‌ها؛ (۳) پیشروی‌ها و پسروی‌های دریاها و دریاچه‌ها؛ (۴) محاسبه تغییر مسیر رودها در مناطق مختلف و در بازه‌های زمانی گوناگون؛ (۵) تعیین وضعیت هر یک از منابع آبی یادشده در برش و یا مقاطع زمانی مورد مطالعه.

در اغلب متون مورد نقد، نقش تمامی اقسام منابع آبی در استقرارگزینی صرفاً به واسطه دوری و نزدیکی حال حاضر آنها به استقرارها سنجیده و تحلیل شده و توجهی به شرایط و مختصات مذکور در بالا نشده است. طبعاً تغییر مسیر رودخانه‌ها، کم آبی و پرآبی آنها، پیشروی‌ها و پسروی‌های دریا و شرایطی از این قبیل در بازه‌های زمانی خاصی اتفاق می‌افتادند که تأثیر آنها بر استقرارگزینی در پژوهش‌های مورد نقد نه بر اساس برش‌های زمانی مشخص و معین بلکه به صورت کلی، انجام پذیرفته است. داده‌های دیرین‌اقلیم‌شناسی، دیرین‌آب‌شناسی و جغرافیایی از یک سو و داده‌های مردم‌نگاری از سوی دیگر، در این زمینه مفید و راهگشا هستند.

### ۳.۵ نزدیکی به راه‌های ارتباطی و باستانی

رابطه ایجاد راه‌های ارتباطی و استقرارها، یک رابطه دوسویه است. شناخت دقیق این رابطه‌ها در پژوهش‌های تحلیل استقرار، مهم هستند. برقراری روابط درون و برون منطقه‌ای، از طریق این راه‌ها میسر بوده است. راه‌ها نیز همانند دیگر متغیرها، دستخوش تغییر مسیر در طول تاریخ شده‌اند. اغلب پژوهش‌های مورد نقد با یک تحلیل بسیار ساده، دوری و نزدیکی استقرارها را با راه‌های امروزی ارزیابی کرده‌اند. شناخت دقیق مسیر راه‌های ارتباطی گذشته بسیار دشوار و در اکثر مواقع غیرممکن است. باستان‌شناسان از نحوه پراکنش محل‌ها و استقرارهای باستانی (نظیر تپه‌ها، کاروانسراها، دژها، بقایای سنگ‌فرش‌ها، نقش برجسته‌ها و میل‌های راهنما) و همچنین داده‌های قوم‌نگاری (ایل‌راه‌ها) مبادرت به شناسایی راه‌های قدیمی می‌کنند. در حالی که ابهام و مشکل جدی در شناخت راه‌ها در هر یک از مراحل زمانی گذشته وجود دارد، پژوهشگران مورد نظر به گروه‌بندی راه‌های امروزی در فواصل ۱۰۰ تا ۲۰۰ متری با محوطه‌ها مبادرت ورزیده‌اند تا این رابطه را تحلیل و تفسیر کنند.

### ۴.۵ میزان شیب

این عامل در تعیین کاربری اراضی مهم است. نتیجه یک تحقیق، ضمن تقسیم‌بندی شیب زمین به انواع مختلف، شیب‌های مناسب برای فعالیت‌های کشاورزی، معماری و شهرسازی را مشخص و پیشنهاد داده است. به عنوان مثال، زمین‌های دارای شیب بالاتر از ۲۰ درصد، اغلب برای زراعت مناسب نیستند (فرهودی، ۱۳۷۰: ۷۸-۸۴). اگرچه این پیشنهادها مربوط به فعالیت‌های امروزی است ولی دست‌کم به ما نشان می‌دهد که لازم است برای دستیابی به استانداردهایی در زمینه گروه‌بندی شیب‌های زمین و بررسی تأثیر آنها روی استقرارگزینه‌های باستانی تلاش کنیم. در بسیاری از پژوهش‌های مورد نقد، شیب‌ها با ۱ درجه اختلاف و حتی کم‌تر از آن تقسیم‌بندی شدند که معنادار نیستند و کمک خاصی به تحلیل رابطه استقرارگزینه‌ها و شیب زمین نمی‌کنند.



## ۵.۵ جهت شیب

جهت شیب، حداکثر تغییرات شیب است که میزان آن برحسب زاویه بیان می‌شود. مهم‌ترین موضوع در بررسی جهت شیب، مقدار انرژی خورشیدی است که زمین و خاک دریافت می‌کنند؛ درجه دمای هوا، نوع خاک و مقدار آب در دسترس خاک، از طریق مقدار این انرژی مشخص می‌گردد (سرشوق و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۸). موارد مذکور باعث تفاوت در نوع پوشش گیاهی و به تبع آن تغییرات در سایر عناصر اقلیمی می‌شوند که یکی از عوامل تاثیرگذار در چگونگی الگوی استقرار هستند. این متغیر در اغلب متون مورد نقد، مطرح شده ولی بهره‌برداری زیادی از آن در تحلیل‌ها و تفسیرهای مربوطه به عمل نیامده است. در متون مذکور تنها به این نکته اکتفا شده که استقرار یا استقرارهای مورد بحث، در چه درصدی از شیب زمین و چه جهت‌هایی از نور خورشید قرار گرفته‌اند.

## ۶.۵ کاربری اراضی

کاربری اراضی در جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، بسته به توان طبیعی، نوع خاک، شیب، ارتفاع، اقلیم و مواردی از این قبیل به انواعی نظیر مسکونی، کشاورزی، صنعتی، تجاری، معدنی، و خدماتی تقسیم می‌شود و در حوزه آمایش سرزمین و تصمیم‌سازی‌های توسعه، کاربرد دارد. بهره‌برداری درست از این متغیر، نقش مهمی در بازسازی شیوه معیشت ساکنان منطقه مورد مطالعه دارد. در پژوهش‌های الگوی استقرار این پیش‌فرض مورد توجه است که احتمالاً زمین‌هایی که امروزه دارای کاربری‌هایی نظیر کشاورزی، مرتع و نظایر آنها هستند، در دوره‌های گذشته نیز همین کاربری را داشته‌اند (مقصودی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۸). ملاحظه می‌گردد که پیش‌فرض چندان مستحکمی نیست ولی با وجود این، با رعایت شرایطی خاص، قابل استفاده است. در بیش‌تر متون مورد نقد، فقط به جنبه‌های کشاورزی، مرتعی و جنگلی توجه شده و به این کاربری‌ها با نمره‌هایی همچون خوب، متوسط و ضعیف، امتیاز داده شده است. بهترین روش برای تعیین کاربری‌های اراضی دوره‌های گذشته، انجام پژوهش‌های دیرین‌اقلیم‌شناسی و دیرین‌گیاه‌شناسی در منطقه مورد مطالعه است که به دلیل پرهزینه‌بودن و نبود امکانات و ابزارهای لازم، اساساً به ندرت مورد توجه محققان داخلی قرار گرفته‌اند.

## ۷.۵ پوشش گیاهی

شناخت تنوع پوشش گیاهی به درک رژیم غذایی ساکنان مناطق مورد مطالعه و چگونگی ارتباط استقرارهای باستانی با زیست-محیط در تأمین معیشت و یا دستیابی به اقتصاد کشاورزی و دامداری، و اتخاذ الگوی اسکان دائمی، موقت و کوچروی کمک می‌کنند. در این جا نیز پژوهش‌های دیرین‌اقلیم‌شناسی، دیرین‌گیاه‌شناسی، جغرافیا و زمین‌شناسی مفید و راه‌گشا هستند که معمولاً پژوهش‌های مورد بحث، بهره زیادی از اینگونه تحقیقات نبرده‌اند.

## ۸.۵ وضعیت اقلیمی، بارش و دما

این متغیرها شاید از اصلی‌ترین و مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر ویژگی‌های زیست-محیطها باشند؛ به طوری که وقوع تغییرات هرچند ناچیز در آنها، اجزای مختلف محیط طبیعی را متاثر و دگرگون می‌سازد (نقی‌پور دهکردی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱). عوامل مؤثر در شکل‌گیری اقلیم‌های متنوع عبارتند از: مختصات جغرافیایی، ارتفاع، دوری و نزدیکی به دریا، پوشش‌های سطحی، ناهمواری‌ها، نظام‌ها و جریان‌ها بزرگ-مقیاس و کوچک-مقیاس، ترکیبات شیمیایی جوی، پدیده‌های منظم و طبیعی، پدیده‌های اتفاقی (نظیر زلزله و آتشفشان) و چرخه‌های نجومی منظم (سبزی‌پرور و هلالی، ۱۳۹۳: ۴۲). این متغیرها در متون مورد نقد یا اصلاً استفاده نشده‌اند یا از طریق تحلیل بارش و دمای امروزی و تعمیم نتایج به دوره‌های گذشته، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

## ۹.۵ فاصله استقرارها نسبت به یکدیگر

محاسبه این متغیر فضایی با اندازه‌گیری فاصله مکانی استقرارها نسبت به یکدیگر در منطقه موردنظر بدست می‌آید که داده‌های حاصله را می‌توان در راستای نظریه‌هایی هم‌چون مکان-مرکزی، و سلسله-مراتب فضایی و استقراری تحلیل و تفسیر نمود (Hodder & Orton, 1976). در این بخش از تحلیل باید به نوع استقرارها از نظر دائمی و موقتی بودن، توجه کرد (Mortensen, 1983). این متغیر در اغلب متون مورد نقد، به خوبی تحلیل نشده و در برخی از آنها با اعمال روش‌های ساده، نتایجی حاصل گردیده که از اعتبار علمی زیادی برخوردار نیستند. گاهی، برخی از پژوهشگران مورد نظر با وجود آگاهی از اطلاعات ناقص

در زمینه تعداد، اندازه و عملکرد استقرارها در یک منطقه و حتی با وجود اطلاع از مشکلات گاهنگاری و عدم بازسازی چشم‌اندازهای باستانی، به تحلیل‌های مکان-مرکزی و نظام سلسله-مراتب استقراری مبادرت ورزیده‌اند.

## ۶. نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که شکل و محتوای اغلب متون مورد نقد، بیش‌تر دارای جنبه‌های توصیفی است. رویکرد الگوی استقرار در باستان‌شناسی در پژوهش‌های داخلی با دو مسئله روش‌شناختی و مفهومی، روبروست. مشکلات بخش روش‌شناختی عبارتند از: (۱) کم‌توجهی به برخی از موضوعات مهم و روش‌های بنیادین باستان‌شناسی الگوی استقرار؛ (۲) بکارگیری معادل‌های گوناگون و گاه متناقض واژه‌های تخصصی این حوزه پژوهشی؛ (۳) عدم توازن در مطالعات میدانی (توجه نامتعادل پژوهشی به محوطه‌ها و مناطق) به دلیل گرایش‌ها و تمایلات شخص پژوهشگر و یا نهادهای تصمیم‌گیر و مسئول؛ (۴) وجود مشکل در اجرای برنامه‌های جامع، گسترده و دامنه‌دار؛ (۵) مشکلات گاه‌نگاری: الف) محدودبودن، و عدم جامعیت و روشمندی داده‌های سطحی مکشوفه و غیرقابل استفاده بودن آنها در بازسازی تاریخ فرهنگ و گاهنگاری محوطه و منطقه؛ و ب) ناتوانی در درک فرآیند تحولات اقتصادی، اجتماعی و فناوری جوامع در بستر تقدم و تأخر، به دلیل کمبود و تناقض گاهنگاری‌های مطلق؛ (۶) کمبود و یا فقدان مطالعات دیرین‌اقلیم‌شناسی، باستان‌گیاه‌شناسی، باستان‌جانورشناسی، دیرین‌آب‌شناسی، باستان‌زمین‌شناسی؛ (۷) ناکافی بودن داده‌های سطحی برای تحلیل و بازسازی فرایندهای مربوطه؛ (۸) کمبود پژوهش‌های میان‌رشته‌ای نظیر قوم‌باستان‌شناسی.

معضلات بخش مفهومی نیز عبارتند از: (۱) درک ناکافی از مبحث مورد نظر؛ (۲) نامشخص بودن مفهوم الگوی استقرار در باستان‌شناسی، به ویژه از دیدگاه میان‌رشته‌ای؛ (۳) تاکید بیش از حد بر نقش عوامل محیطی در تحلیل‌ها و بی‌توجهی به مقوله استقرار در قالب سازه‌های منفرد و استقرار در مقیاس منطقه‌ای و اجتماعی؛ (۴) تکیه بر متغیرهای زیست-محیطی کنونی به جای بازسازی متغیرهای محیطی گذشته از طریق پژوهش‌های مختلف دیرینه‌شناسی؛ (۵) انجام مطالعات تخمین جمعیت و وسعت استقرار منطقه‌ای با استفاده از محاسبه‌های ساده و بدون استفاده از روش‌هایی چون ارزیابی منابع

زیست‌محیطی، شرایط اقتصادی، چگونگی معیشت، سطح فناوری جامعه و نیز میزان پیچیدگی‌های اجتماعی و مذهبی؛ و ۶) کم‌توجهی به تأثیر عوامل بازدارنده (از قبیل عملیات عمرانی، فعالیت‌های مخرب انسانی، حوادث طبیعی، رسوبگذاری، و مدفون‌شدن بقایای کهن‌تر توسط لایه‌های بالایی) در بازسازی روابط محیط اجتماعی و طبیعی.

بنابراین، اتخاذ تدابیر راهبردی در ابعاد نظری و عملی و پرسش‌محوری در باستان‌شناسی کشور، به منظور بهره‌برداری درست و علمی از این روش ضروری است. شناخت عوامل و متغیرهای محیطی در بستر و چشم‌انداز باستانی به روش‌های علمی زیادی وابسته است که تولید داده‌های علمی در این زمینه‌ها، نیازمند اعتبارات زیادی است. ارتقای جایگاه و اهمیت باستان‌شناسی در اسناد توسعه پایدار و نقشه جامع علمی کشور، زمینه را برای جلب حمایت‌های مالی فراهم خواهد نمود. پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌های مرتبط و دانشگاه‌های مجری باستان‌شناسی، مسئولیت و نقش مهمی در فهم درست و علمی از این موضوع بر عهده دارند که می‌توانند این امر خطیر را از طریق همایش‌ها، نشست‌ها، کارگاه‌های آموزشی، و برنامه‌های پژوهشی در سطوح تحصیلات تکمیلی اجرایی کنند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. هدف اولیه نگارندگان مقاله، بررسی کلیه متون فارسی مربوط به روش تحلیل الگوی استقرار به منظور انجام یک تحقیق فراتحلیل (ترکیب، یکپارچه‌سازی و دستیابی به نتایج جدید) بوده است؛ اما در مراحل ابتدایی تحقیق، اشکالاتی در اغلب متون مورد مطالعه، آشکار شدند که مسیر پژوهش را تغییر دادند. مقاله حاضر به هیچ‌عنوان قصد نقد متن و نویسنده مشخصی را ندارد و مهم‌ترین انگیزه نویسندگان این مقاله، نقد این موضوع پرکاربرد در متون باستان‌شناسی ایران و شناخت مشکلات پیش روی پژوهشگران و ارائه راهکارهای لازم است. لذا مراتب سپاس خود را به تمامی کسانی که به صورت علمی و مطلوب در این زمینه نگاشتند اعلام می‌دارند و همگان را به سعه صدر علمی به منظور اصلاح فرآیندهای پژوهشی دعوت می‌نمایند.
۲. مجلات و تعداد مقالات عبارتند از: پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران (۱۲)، مطالعات باستان‌شناسی (۱۰)، پیام باستان‌شناس (۴)، جستارهای باستان‌شناسی پیش از اسلام ایران (۳)، باستان‌شناسی پارسه (۲)، کواترنری ایران (۱)، پژوهش‌های جغرافیای طبیعی (۱)، و جامعه‌شناسی تاریخی (۱)

۳. شاخص منحنی لورنز تراکم کم، نسبی و بالای میزان جمعیت در هر یک از روستاها را مشخص می‌کند. شاخص توزیع نقطه‌ای موجب شناسایی و ارزیابی پراکندگی روستاها در فضای جغرافیایی می‌گردد. شاخص پراکندگی نزدیک‌ترین همسایه نیز برای درک فاصله و الگوی قرارگیری روستاها نسبت به همدیگر و شناخت تصادفی، غیر تصادفی، یکنواخت و متمرکز بودن پراکندگی فضایی روستاها، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴. البته انتشار نتایج مطالعات الگوی استقرار در مجلات علمی-پژوهشی از نظر حجم متن و تعداد کلمات دارای محدودیت‌هایی است ولی دست نویسنده در سایر اشکال متون نظیر پایان‌نامه، رساله، گزارش و کتاب، باز است.

### کتاب‌نامه

- رنفریو، کالین و بان، پال (۱۳۹۰). *مفاهیم بنیادی در باستان‌شناسی*، ترجمه اکبر پورفرج و سمیه عدیلی، تهران: سمیرا.
- سبزی‌پور، علی‌اکبر، هلالی، جلیل (۱۳۹۳). *مبانی اولیه هواشناسی و آلودگی هوا*، همدان: دانشگاه بوعلی سینا همدان.
- سرشوق، مژگان، صالحی، محمدحسن و بیگی، حبیب‌الله (۱۳۹۱). "اثر جهت و موقعیت شیب بر توزیع اندازه ذرات خاک‌ها در منطقه چلگرد استان چهارمحال و بختیاری"، *مجله پژوهش‌های حفاظت آب و خاک* ۱۹ (۳): ۷۷-۹۸.
- علی بیگی، سجاد و خسروی، شکوه (۱۳۸۷). "تپه‌های باستانی مدرسه‌ی بعثت کوشک، شهریار: دشواری‌هایی در تدوین گاهنگاری منطقه‌ای و تغییر الگوی استقرار دوره‌های نوسنگی و مس و سنگ در شمال فلات مرکزی ایران"، *دوفصلنامه باستان‌پژوهی* ۱۷: ۱۷-۶.
- عظیمی، نورالدین (۱۳۸۰). "الگوی استقرار سکونتگاه‌های روستایی در منطقه کوهستانی زاگرس مرکزی: مطالعه موردی بخش سرشیو مریوان"، *فضای جغرافیایی* ۱: ۶۵-۴۷.
- فاگان، برایان (۱۳۸۵). *سرآغاز: درآمدهای بر باستان‌شناسی (اصول، مبانی و روشها)*، ترجمه غلامعلی شاملو، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- فرودی، رحمت‌الله (۱۳۷۰). "اطلس شیب ایران و نتایج مساحی آن"، *مجله پژوهش‌های جغرافیایی* ۲۷: ۷۵-۹۴.
- لباف خانیکی، میثم (۱۳۸۵). "باستان‌شناسی زمین‌سینما"، *دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات میان‌رشته‌ای* ۴: ۱۲۶-۱۱۳.

مقصودی، مهران؛ زمان‌زاده، سیدمحمد؛ فاضلی‌نشلی، حسن و چزغه، سمیرا (۱۳۹۱). نقش ساختارهای طبیعی در الگوی استقرار محوطه‌های پیش از تاریخ دشت تهران با استفاده از GIS، برنامه‌ریزی و آمایش فضا ۱۶ (۴): ۱۰۹-۱۲۸.

نقی‌پور دهکردی، پگاه؛ خرم‌دل، سرور و بیجنندی، علی (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر تغییر اقلیم با تاکید بر بحران آب و راهکارهای تخفیف آن، دومین همایش ملی بحران آب (تغییر اقلیم، آب و محیط زیست)، شهرکرد.

نیکنامی، کمال‌الدین (۱۳۸۵). "مبانی نظری باستان‌شناسی پهن‌دشت"، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات میان‌رشته‌ای ۳: ۱۱-۲۴.

نیکنامی، کمال‌الدین، صراف، محمدرحیم و محمدی‌فر، یعقوب (۱۳۸۵). "تحلیل باستان‌شناختی استقرارهای اشکانی در زاگرس مرکزی"، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ۵۷ (۵): ۹۳-۱۱۰.

نیکنامی، کمال‌الدین، سعیدی هرسینی، محمدرضا و خطیب شهیدی، حمید (۱۳۸۶). "تئوری‌ها و تکنیک‌های مدل‌سازی پیش‌بینی (تخمین) مکان‌ها و پراکنش‌های سایت‌های پیش از تاریخی در پهن‌دشت‌های باستان‌شناختی با کاربرد GIS و رگرسیون لجستیک، مطالعه موردی: حوضه رودخانه گاماسب زاگرس مرکزی"، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ۵۷ (۵): ۲۱۱-۱۹۳.

Adams, R. M., (1965). Land Behind Baghdad: A History of Settlement on the Diyala Plains, University of Chicago Press.

Darvill, T., (2002). The Concise Oxford Dictionary of Archaeology, New York: Oxford University Press.

Chang, K. C., (1958). "Study of Neolithic Social Groupings: Examples from the New World", American Anthropology 60: 298-334.

Christaller, W., (1966). Central Places in Southern Germany, Translated by C.W. Baskin, Englewood Cliffs: Printing Hall.

Fletcher, R., (1986). "Settlement Archaeology: World-Wide Comparisons", Perspectives in World Archaeology 18: 59-83.

Greenfield, H. J.; Schalkwyk, V. & Leonard, O., (2008). Early Iron Age Regional Settlement and Demographic Patterns along the Eastern Seaboard of South Africa: A View from the Lower Thukela River Valley, Oxford: Archaeopress.

Hodder, I. & Orton, C., (1976). Spatial Analysis in Archaeology, Cambridge: Cambridge University Press.

- Hole, F., Flannery, K. V. and Neely, J. A., (1969). Prehistory and Human Ecology of the Deh Luran Plain, Memoir no. 1, Ann Arbor: University of Michigan, Museum of Anthropology.
- Johnson, G. A., (1977). "Aspects of Regional Analysis in Archaeology", Annual Review of Anthropology 6: 479-508.
- Kandel, A. W. & Conard, N. J., (2012). "Settlement patterns during the Earlier and Middle Stone Age around Langebaan Lagoon, Western Cape (South Africa)". Quaternary International 270: 12-29.
- Kirkby, M. J., (1977). "Land and Water Resources of the Deh Luran and Khuzistan Plains", in F. Hole (ed.), Studies in the Archaeological History of the Deh Luran Plain, Memoir no. 9, Ann Arbor: University of Michigan, Museum of Anthropology.
- Mortensen, P., (1983). "Patterns of Interactions between Seasonal Settlements and Early Villages in Mesopotamia", in T. C. Young, Jr., P. E. L. Smith, and P. Mortensen (eds.), The Hilly Flanks and Beyond: 207-230.
- Parsons, J. R., (1972). "Archaeological Settlement Patterns", Annual Review of Anthropology 1: 127-150.
- Robbins, M. C., (1966). "House Types and Settlement Patterns: an Application of Ethnology to Archaeological Interpretations", the Minnesota Archaeologist 28: 3-35.
- Roberts, B. K., (2003). Landscapes of Settlement, Prehistory to the present, Taylor & Francis e-Library, London and New Yourk.
- Sanders, W. T., (1965). The Cultural Ecology of the Teotihuacan Valley, Park State University, Department of Social Anthropology.
- Sumner, W. M., (1972). Cultural Development in the Kur River Basin, Iran: An Archaeological Analysis of Settlement Patterns, Ph.D Dissertation, University of Pennsylvania.
- Sumner, W. M., (1979). "Estimating Population by Analogy: An Example", in C. Kramer (ed.), Ethnoarchaeology: Implications of Ethnography for Archaeology, New York: Columbia University Press.
- Trigger, B. G., (1967). "Settlement Archaeology: Its goal and promise", American Antiquity 32 (2): 149-160.
- Underhill, A. P.; Feinman, G. M.; Nicholas, L. M.; Fang, H.; Luan, F.; Haiguang, Y. & Cai, F., (2008). "Changes in regional settlement patterns and the development of complex societies in Southeastern Shandong, China", Journal of Anthropological Archaeology 27 (1): 1-29.
- Volta, B. P., (2007). Archaeological Settlement Patterns in the Kingdom of the Avocado. M. A. dissertation in Anthropology, University of California, San Diego.
- Wiley, G. R., (1953). Prehistoric Settlement Patterns in the Viru Valley, Peru, Bureau of American Ethnology Bulletin 155. Washington, D.C.: Smithsonian Institution 4.
- Wright, H. T. & Johnson, G. A., (1975). "Population, Exchange, and Early State Formation in Southwestern Iran", American Anthropologist 7: 267-289.